

25 نوامبر، 4 آذر
روز جهانی



گرامی باد

آذر 88 - رشت

نخواستم که فرود آورم سر تسلیم، نیاوردم
نخواستم که بیفتم ز پا، نیفتادم
اگر چه بودم و بودم هماره در آوار
اگر چه دیدم و دیدم هزارها آزار
و سنگسار
چه وحشیانه، چه دهشتناک!

...

زمان فتح و رهایی است
زهیچ سنگی و سدی دگر ندارم باک
که سیل سد شکنم
و در مسیر جهان
جاری هماره منم
که مادرم
که زنم.

ژاله اصفهانی

سایت های زنان

تغییر برای برابری:

<http://www.signforchange.info/>

کمپین رشت:

<http://campaignrasht.wordpress.com/>

میدان زنان:

<http://www.meydaan.info>

مدرسه فمینیستی:

<http://iranfemschool.com/>

کانون زنان ایرانی:

<http://www.ir-women.com/>

برای تماس با ما:

barabary@gmail.com

25 نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

در سال 1981 برای اولین بار در اولین گردهمایی فمینیستی برای آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب که در بگوئا در کلمبیا تشکیل شد روز 25 نوامبر به عنوان "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" اعلان شد و در آن گردهمایی، زنان به طور اصولی و پایه ای، خشونت برپایه جنس را از خشونت بدنی در محدوده خانواده گرفته تا تجاوز و آزار و اذیت جنسی و همچنین خشونت دولتی که شامل شکنجه و آزار زندانیان سیاسی زن است، محکوم کردند.

تاریخ 25 نوامبر به یادبود خاطره سه خواهر اهل جمهوری دومینیکن، خواهران میرابل، انتخاب شد. قتل این سه زن در سال 1960 در دوران حکومت دیکتاتوری رافائل تروخیلو صورت گرفت. اعلان این روز به عنوان "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" برای احترام به خواهران میرابل و همچنین اذعان به وجود خشونت جنسی در جهان است.

در نوزدهم اکتبر 1999 در هفتمین جلسه کمیته انسانی و فرهنگی در پنجاه و چهارمین دوره مجمع عمومی، نمایندگان جمهوری دو مینیکن از جانب خود و 74 کشور عضو پیشنویس قطعنامه ای را مبنی بر قرار دادن روز 25 نوامبر به عنوان "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" ارائه دادند. و سرانجام در 17 اکتبر 1999 مجمع عمومی سازمان ملل متحد این روز را به عنوان "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" نامگذاری کرد.

مقدمه:

خشونت علیه زنان در اشکال مختلف، در خانه در اجتماع و در محل کار زنان را آزار میدهد و در همه ابعاد زندگی آنان در جریان است. مهار خشونت و خشونت گری و کاستن از شدت و حدت آن بستگی به تلاش و مبارزه زنان دارد

از آنجا که خشونت نه در ذات ادمی و طبیعت او که محصول تعاملات اشتباه فرهنگی است، بنابراین کار جمع ی آگاهانه انسانها، مانع و محدود کننده عملکرد خشونت گران است

خشونت علیه زنان، با وجود ادعاهای نهادهای بین المللی مبنی بر کاهش آن، همچنان پدیده ای گسترده و آشکار و شنیع است.

زنان جهان با تفاوتهایی در کشورهای مختلف، اماچ خشونت های گوناگون، از سرکوب دولتی، ضرب و شتم در جامعه و خانواده، تحقیر، محرومیت های اقتصادی گرفته تا قربانی قتل های ناموسی هستند.

تهدید، خشونت کلامی نیز بخشی از این خشونت هاست

طبق آمار صندوق جمعیت سازمان ملل متحد هر ساله پنج هزار زن در سراسر جهان توسط خانواده های خود به دلایل ناموسی به قتل میرسند. از هر پنج زن، یک زن در زندگی خود مورد تجاوز و یا در معرض تهدید و تجاوز قرار گرفته است.

خشونت در خیابان

خیابان خط واصل همه آدم هاست. کوچک و بزرگ، زن و مرد در واقع پلی است که همه ما به طور اجتناب ناپذیر طی آن با آدم ها و افکار و احساسات آنها برخورد میکنیم. این برخورد همیشه هم زیبا و دوست داشتنی نیست وقتی جامعه بیمار، فرهنگ بیمار را بازتولید کند، دیگر نمی توان با اعتماد پا بر این پل لغزان گذاشت و مطمئن بود که به سلامت از این پل عبور میکنیم.

در لغت نامه دهخدا کنار واژه "ناموس" واژگانی مانند همسر، زوجه، زن های متعلق به یک مرد آمده است که مادر خواهر و مادگان یک خانواده را در بر میگیرد

این مفهوم ریشه در حس مالکیت مرد نسبت به زنان خویشاوندش دارد و این یعنی وقتی بر زنی خشونت و تعرض جنسی واد شود، علاوه بر آنکه به حقوق و حیطه شخصی اش تجاوز شده، تازه باید پاسخگوی مردان خانواده باشد چرا که خود او به مثابه مایملکی در دست مردان خانواده است.

مزاحمت ها و خشونت های خیابانی، حاصل یک فرهنگ مردانه است، فرهنگی که در آن هر مردی حق دارد، به خاطر مرد بودن و قدرت

فیزیکی بیشتر داشتن هر زنی را به جز مادر و خواهر خود، موضوع و طعمه جنسی ببیند. اما در این فرهنگ، همین طعمه ها مورد خطاب قرار میگیرند و نکوهش میشوند که بیشتر مراقب رفتار و پوشش خود باشند.

تصویر زنی خشونت دیده در خیابان، فریاد زنی در تاکسی یا اتوبوس و.. خیلی ناآشنا و دور از ذهن نیستند هر یک از ما اگر قربانی این رفتارهای خشونت آمیز در خیابان نباشیم، حد اقل شاهد آن بوده ایم سواستفاده جنسی غیر تماسی به وسیله متلک گفتن مردان از ستایش ظاهر و زیبایی تا بیان کلمات مستهجن گفتن، مطالبی که موجب رنجش زن میشود و او را تحقیر میکند، تماس بدنی، نگاه کردن شهوانی، لمس بدن در تاکسی و اتوبوس و... بودن دختران و تجاوز و.. همه و همه از تصاویر تکراری ذهنی عابرین گذرنده از خیابان هستند.

خیابان به پایان میرسد، در خانه را باز میکنیم اما بار سنگین نگاه ها و کلامها و رفتارهای خشونت آمیز دیگر هنوز بر ذهن و فکر فرود می آید و بار سنگینی که به راحتی نمیتوان در مقابل آن قد راست کرد. هجوم فشارهای مختلف از هر طرف و اینکه این همان خیابانی است که فردا و فرداها باید از آن عور رد و گریز ناپذیری آن تلخی ممتدی میشود بر پیکره وجودی زن.

حاصل تمامی این خشونت ها ، آنقدر هست که به شمارش نیاید. از کار افتادگی ادراکی ، از ین رفتن اعتماد به نفس ، انواع افسردگی ها گریز از مشارکت در امور اجتماعی ، پناه بردن به دارو های روان گردان و.. خیابان به پایان میرسد ، در خانه را باز میکنیم ، ای کاش خانه جای امنی باشد..



خشونت خانگی

همه آرزو
که در آن همه ، چه زن، چه
احساس آرامش کنند، همدیگر را
باشند و با عشق و محبت از یکدیگر
پشت و پناه هم باشند .
داریم خانه محلی باشد
مرد، چه کودک،
دوست داشته
حمایت کنند و

اما آرزو های ما در موارد بسیاری برآورده نمی شوند و این روزها متأسفانه خانه و خانواده با آنچه که آرزو داریم و می پسندیم، بسیار تفاوت دارد.

خانه های بسیاری به جای آنکه محل کسب آرامش روانی برای اعضای خانواده باشند، به محلی به شدت نا امن به خصوص برای زنان و کودکان تبدیل شده اند.

خشونت علیه کودکان و به خصوص زنان هیچ جا بیش از " خانه " رخ نمی دهد، زنان هرگز در خیابان یا محل کار به شدت خانه هایشان مورد ضرب و شتم قرار نمی گیرند، تحقیر نمی شوند، مورد بی اعتنائی قرار نمی گیرند و اگر به این موضوع توجه کنیم که طبق تعاریف بین المللی هر گونه اجبار به برقراری رابطه ی جنسی تجاوز است، و فرقی نمی کند این اجبار توسط همسر باشد یا در خیابان،

اما در ایران قوانین نه تنها علیه خشونت نیستند بلکه گاه از این خشونت دفاع می کنند، مثل قوانینی که به موجب آن مردان می توانند حتی حق خروج از منزل را از زنان بگیرند و یا قوانینی که از زنان می خواهند تا در برابر همه ی خواسته های جنسی شوهرانشان، هر چقدر هم وحشیانه یا غیر طبیعی، تسلیم باشند. ما زنان در عین اینکه باید در زندگی شخصی خود در برابر اینکه قربانی خشونت شویم مقاومت کنیم، باید در تلاشی جمعی همگام با زنان دیگر بکوشیم تا قوانینی که از خشونت علیه زنان حمایت می کنند لغو شوند.



زنان هیچ جا به اندازه ی خانه هایشان قربانی تجاوز جنسی نمی شوند. آمار نشان می دهد، در صد بالایی از آزارهای جنسی به کودکان مخصوصا دختر بچه ها، در خانه و توسط محارم آنها صورت می گیرد. خشونتی که در خانه صورت می گیرد به شدت تلخ تر و دردناک تر از خشونتهایی است که در بیرون از خانه رخ می دهد و اثرات ویرانگر فراوانی بر روح و روان زنان می گذارد، زیرا از یک سو قربانیان خشونت در خانه، مجبورند با خشونت کنندگان که اغلب مردان خانواده اند زندگی کنند و هر دم نگران تکرار خشونت باشند و از سویی دیگر زنان در حالی در خانه خشونت می بینند که انتظار دارند خانه نه محل اعمال خشونت که محل کسب آرامش باشد.

این شرایط تلخ و ناگوار را چگونه می توان تغییر داد؟

پیش از هر چیز باید ما زنان باور کنیم که هیچ کس به هیچ دلیلی حق اعمال خشونت ندارد. همچنین باید این باور که زن خوب نباید در مقابل خشونت مقاومت کند را از خود دور کنیم.

ما باید باور کنیم که پنهان کردن خشونت، آبرو داری نیست و وظیفه داریم با آشکار کردن خشونت برای جلوگیری از تکرار آن تلاش کنیم. اما بخش بزرگی از کارهایی که باید برای جلوگیری از خشونت خانگی صورت بگیرد، در توان حکومتها است نه مردم، این حکومتها هستند که می توانند قوانینی که خشونت کنندگان را مجازات می کنند تصویب کنند و یا مراکزی برای حمایت از خشونت دیدگان ایجاد کنند، کاری که در بیشتر کشورهای دنیا صورت گرفته است!

خشونت در محل کار

به

دفعات شنیده ایم زن خوب یعنی زن

ساکت، مهربان، نجیب سر به زیر زنی که لب به اعتراض نمی گشاید راضی به تقدیر خود باشد و بار مشکلات را به تنهایی به دوش بکشد و این طرز تفکر یک پیشینه تاریخی دارد که خود یکی از عوامل خشونت علیه زنان در خانه، محل کار و به طور کلی جامعه است.

زنان برای رفتن به سرکار مجبور به کسب اجازه از همسر خود می باشند، در ادارات سازمان ها و کارخانجات زنان بسیار کمتر از مردان و معمولا برای کارهای اداری و دفتری استخدام می شوند، عموما ارتقاء شغلی نمی گیرند و حتی از حق اولاد نیز برخوردار نیستند.

بنا به تجربه شخصی من عموما مردان انتظار دارند زنان بدون هیچگونه اعتراضی بیشتر از بقیه هم ردیفان مرد خود کار کنند و جایی که بحث حقوق و دستمزد پیش می آید از آنجا که مسئولیت خانواده را بر دوش خود می بینند حق بیشتری برای خود قائل هستند.

این موضوع را هیچوقت از یاد نمی برم وقتی در مقابل فریاد و توهین یکی از همکاران مرد خود ایستادم به من گفت "نویک زنی حق اعتراض و داد زدن نداری زن باید حجب و حیا داشته باشد"

من باید حجب و حیا داشته باشم در صورتی که بارها شاهد شنیدن الفاظ رکیک از کارمندان مرد کارخانه بودم.

بسیار ناظر این موضوع بودم که مردان بسیاری برای کنار زدن رقیبان زن خود دست به تهمت و افترا زده اند تعدادی از زنان نیز به دلیل اتهام واهی ارتباط با مردان همکار از کار اخراج شده اند و یا خود استعفا داده اند این موضوع فقط به داخل کارخانه ختم نمی شود حتی چندین بار به طور ناشناس و به عنوان فردی خیرخواه با خانواده همکاران خانم من تماس گرفته شده و با دلایل دروغین از آنها می خواستند برای حفظ منزلت خانوادگی مانع از سر کار آمدن آن زن شوند.

مردان از زنان همکار خود انتظار دارند که به آنها لبخند بزنند خوش برخورد باشند و بدون هیچ اعتراضی بیش از وظیفه خود کار کنند



بدون اینکه متقاضی اضافه حقوق باشند. به عقیده من این خشونت ها ریشه در فرهنگ ما دارد و جزء با

فرهنگ سازی با هیچ چیز حل نمی شود. متأسفانه در رسانه ها کمتر به این موضوع پرداخته می شود و گاهی در رسانه های ملی شاهد این موضوع هستیم که چاره این مشکل را در پاک کردن صورت مسئله، یعنی خانه نشین کردن زنان و یا اشتغال زنان در مشاغل ویژه ای چون معلمی و مامایی می دانند.

زنان باید سکوت کنند و مردان می توانند هر چه می خواهد بگویند. زنان باید لبخند بزنند در حالی که مردان می توانند خشمگین شوند. زنان نباید اعتراض کنند چون هر گونه اعتراضی مختص مردان است می توان کاسه ی آن تار شکست

می توان نغمه ی آن ساز گسست

می توان گفت هان، ای طبل گران

پس از این خاموش بمان

به چکاوک اما نتوان گفت مخوان

آمار

- § آمار در سطح جهانی نشان می دهد که یک زن از هر سه زن در جهان مورد ضرب و شتم قرار می گیرد، مجبور به روابط جنسی می شود و یا به صورت های مختلف مورد سوء استفاده از سوی نزدیکان خود قرار می گیرد.
- § یک زن از 7 زن متاهل در سطح دنیا از سوی همسران خود مجبور به عمل جنسی می شوند و 25 درصد اجبار به اعمال جنسی در زندگی زناشویی اتفاق می افتد.
- § طبق آمار سازمان بهداشت سالانه 2 میلیون دختر در جهان ختنه می شوند.
- § دیده بان حقوق بشر گزارش می دهد که سالانه بین 200 تا 300 هزار زن به اروپا قاچاق می شوند.
- § گزارش مستقل دیده بان حقوق بشر خاورمیانه حاکی از آن است که زنان مهاجر کارگر در کویت غالباً مورد ضرب و شتم و آزار جنسی قرار می گیرند که به دلیل نداشتن کارت هویت قادر به بازگشت هم نیستند.
- § بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل هزاران زن در دنیا در درون زندان ها به طور نظام دار مورد تجاوز قرار می گیرند

خشونت علیه زنان در بستر قوانین و سنت‌ها

خشونت علیه زنان در ایران هم در خانواده و هم در سطح جامعه با زمینه‌های قانونی و سنتی صورت می‌گیرد. محرومیت دختران در خانه نه فقط از قوانین بلکه از محیط بسته خانه و سلطه رفتار خشونت‌آمیز است که ریشه‌های هزاران ساله دارد. این خشونت به نسبت مکان زندگی دختران متفاوت است. هرگاه دختران، مرزهای سنتی و چهارچوب‌های پذیرفته شده‌ی هر خانواده را زیر پا بگذارند، سرنوشت خوشی را انتظار نخواهند کشید.

طبق قانون، ریاست خانواده برعهده‌ی مرد است و مرد به همین بهانه، به خود اجازه می‌دهد که به زن خود توهین کند، کتکش بزند، تحقیرش کند و محدودیت‌های مالی و صدها مورد دیگر برایش به وجود بیاورد. اما در اثر فشارهای سنتی، تا کارد به استخوان زنان نرسد، از زندگی خشونت‌آمیز خود حرفی نمی‌زنند.

خشونت علیه زنان را آداب و رسوم و سنت‌های غیرمذهبی توجیه می‌کنند. اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های زیادی وجود دارند که تاییدی بر خشونت علیه زنان هستند. برای مثال، فرهنگ مردسالار، مردان را با صفت زن‌ذلیل سرزنش می‌کنند تا با زنان خود رفتاری آمرانه داشته باشند. اما بعضی تفسیرهای سنتی و مردسالارانه از دین،

مهم‌ترین نقش را در توجیه خشونت علیه زنان در ایران بازی می‌کنند. خشونت علیه زنان، به محیط زندگی، اجتماعی، سیاسی و تفسیرهای خاص از دین و قانون بستگی دارد. برای مثال، زنی که از شوهرش جدا می‌شود در ساختار قانونی و سنتی جامعه مورد حمایت نیست. جامعه از زنان می‌خواهد صبور باشند تا خانواده متزلزل نشود، و حکومت نیز در نبود قوانین حمایتی، مشکل آنان را حل نمی‌کند.

در بیشتر موارد، این قانون است که به پشتوانه‌ی سنت، زمینه‌ی تبعیض و خشونت علیه زنان را فراهم می‌کند. پاره‌ای از این قوانین را با هم مرور می‌کنیم:

اول) به موجب ماده 49 قانون مجازات اسلامی؛ بلوغ شرعی، آغازگر دوران مسئولیت جزایی است. طبق قانون مدنی، بلوغ دختران، 9 سال تمام است. به این معنا که دختران از سن 9 سالگی مانند بزرگسالان در صورت ارتکاب جرم، مجازات می‌شوند. اگر دختری 9 ساله مرتکب جرمی شود مانند فردی 40 ساله مجازات می‌شود. در حالی که دختری 9 ساله توانایی تشخیص بسیاری مسایل را ندارد.

دوم) طبق ماده 638 قانون مجازات اسلامی؛ زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر حاضر می‌شوند به حبس و یا جزای نقدی محکوم خواهند شد. قانونگذار با این ماده نه تنها، آزادی انتخاب پوشاک را

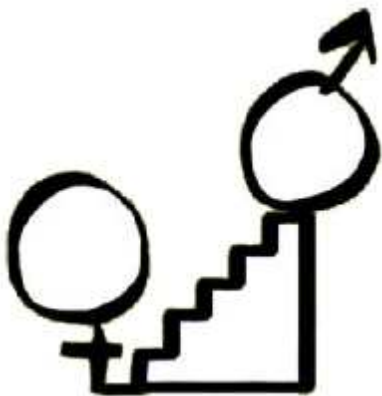
زیر سوال می‌برد بلکه با تعریف نکردن حجاب شرعی، اعتبار و آبروی زنان را در دست مجریان قانون می‌گذارد که نتیجه آن برخوردهای سلیقه‌ای با زنان و دختران در خیابان‌هاست که این روزها بسیار شاهد آن هستیم.

سوم) براساس قانون مدنی؛ زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند، همچنین، نفقه (هزینه زندگی زن) برعهده شوهر است و اگر زن بدون مانع مشروع، وظایف زناشویی را انجام ندهد، مستحق نفقه نخواهد بود.

بنابراین، زن مجبور است برای دریافت نفقه، به اجبار هم شده وظایف تعیین شده را انجام دهد. این قوانین که به مردان اجازه می‌دهد به دلیل ریاست بر خانه و دادن نفقه، زنان را از بسیاری حقوق خود محروم کنند از عمده‌ترین دلایل بروز خشونت خانگی هستند چرا که زنان به دلیل نیاز مادی و علاوه بر فشارهای سنتی مجبور می‌شوند به انواع خشونت‌ها و تبعیض علیه خود تن بدهند.

چهارم) به موجب ماده‌ی 1108 قانون مدنی؛ هرگاه زن بدون مانع شرعی از وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه (هزینه زندگی زن) نخواهد بود. این ماده به صراحت نشان می‌دهد که رابطه‌ی جنسی با شوهر از وظایف زن است و هر زمانی که مرد تمایل به همخوابگی داشت، نباید از آن امتناع کند.

در بستر قانونی و سنتی جامعه‌ی ایران، زن در این زمینه فاقد اختیار است در حالی که طبق دیدگاه‌های نوین حقوقی، اجبار به همخوابگی، نوعی تجاوز جنسی به شمار می‌آید و قانون ما به پشتوانه‌ی سنت، به راحتی بستر این تجاوزات را در زندگی زناشویی هر زنی آماده می‌کند. در قوانین ایران به موضوع تجاوز در زندگی زناشویی پرداخته نشده و حتا زنی را که از تمایلات جنسی شوهرش امتناع کند، از حقوقش محروم می‌کند.



آشنایی با

مراکز حمایت از زنان آسیب‌دیده

آسیب‌های اجتماعی، نتیجه‌ی فرآیندهای پیچیده در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی و... اتفاق می‌افتد و به اشکال مختلفی از آسیب‌ها از جمله کودکان خیابانی، دختران فراری، همسرآزاری، کودک‌آزاری و صدها موارد دیگر آشکار می‌شود. مرکز مداخله در بحران (اورژانس اجتماعی)، مرکزی است که به عنوان اورژانس مسایل اجتماعی عمل می‌کند و موارد خشونت‌های خانوادگی (همسرآزاری، کودک‌آزاری)، خودکشی، طلاق و ... را پوشش می‌دهد.

این مرکز که هدف‌های زیادی را دنبال می‌کند، زنان و دختران در معرض آسیب اجتماعی یا آسیب‌دیده‌ی اجتماعی، همسر آزاردیده، کودکان آزاردیده، و دختران و پسران فراری از منزل را هم تحت پوشش قرار می‌دهد. خدمات این مرکز که به صورت شبانه‌روزی صورت می‌گیرد، رایگان است و افراد می‌توانند در شرایط بحرانی مثل زمانی که زنی مورد خشونت خانوادگی قرار می‌گیرد به این مرکز مراجعه کنند یا با شماره تلفن 123 تماس بگیرند. این مرکز، مراکز سیاری را هم راه انداخته که در میدان‌های شهر مستقر می‌شوند.

زنانی که مورد خشونت همسرانشان قرار می‌گیرند و ادامه زندگی در خانه، امنیت جانی و روانی‌شان را به خطر جدی می‌اندازد،

پنجم) به موجب ماده 1133 قانون مدنی؛ مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد. در این حالت، مرد تقاضای طلاق را در دادگاه خانواده مطرح می‌کند و از آنجا که حق طلاق با اوست، دادگاه نهایتاً اجازه‌ی طلاق را صادر می‌کند. اما در صورتی که زن تقاضای طلاق بدهد باید درجه‌ای از استیصال و درماندگی را که جان و حیثیتش در معرض خطر جدی باشد، اثبات کند که کار بسیار سختی است.

موضوع حضانت، قوانین مربوط به زنان مهاجر، حفظ بکارت دختران و کنترل همسر توسط پدر و جد پدری برای دختران به شکل اجازه پدر دختر برای ازدواج، قوانین مربوط به باروری و سقط جنین، انتخاب حرفه و شغل که زن در صورتی می‌تواند کار کند که همسرش اجازه دهد، قوانین مربوط به تابعیت، قوانین مربوط به قصاص و ضرب و شتم، چندهمسری و موارد ریز و درشت بسیاری در قوانین و سنت‌های هزار ساله وجود دارند که زنان را وادار به تحمل خشونت علیه خود و یا راه فرار از این خشونت را برایشان سخت‌تر می‌کنند.

می‌توانند با تماس تلفنی یا مراجعه به پایگاه‌های این مرکز، درخواست کمک کنند. در اینصورت، مرکز اجازه دارد زنان آزاردیده را تا 24 ساعت در مراکز خود نگهداری کند و برای نگهداری بیشتر از آن، از مراجع قضایی مجوز بگیرد. اورژانس اجتماعی در شهرهای رشت، انزلی، لاهیجان، تالش و فومن مستقر است، اما در شهر آستانه تنها خط تلفن 123 فعال است و افراد می‌توانند از این طریق، تقاضای کمک کنند.

علاوه بر این، خانه سلامت با هدف حمایت از دختران در معرض آسیب‌های اجتماعی در استان گیلان تاسیس شده است. مراجعین به خانه سلامت، پس از پذیرش به مدت شش ماه تا یک سال نگهداری می‌شوند و پس از سازماندهی به مدت 5 سال تحت حمایت مرکز قرار می‌گیرند.

مراکز مشاوره	
مرکز پزشکی احیا	2225502
مرکز مشاوره خانواده	2230256
مرکز مشاوره رویش	3220611
مرکز مشاوره گلزار	7756620
مرکز مشاوره گیلان	3220450
مرکز مشاوره میلاد	3234222
هادی رحیمی	3229649
محمی جعفر مدبر نیا	3228455
کیومرث جعفری	7225049
هما ضرابی	7225124
ربابه سلیمانی	3242992
حشمت الله موسوی	3221616
محمد رسول خلخالی	3225055
وئوق روحانی	2227668
مریم طاهری فرد	3229818

